

## بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های میل به طلاق در زوج‌های عادی و متقاضی طلاق شهر یزد

حسن زارعی محمودآبادی<sup>۱</sup>

استادیار مشاوره خانواده، دانشگاه یزد

دریافت مقاله: ۹۰/۷/۲۹ پذیرش مقاله: ۹۱/۲/۱۸

### چکیده

**هدف:** پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های میل به طلاق در زوج‌های متقاضی طلاق و عادی شهر یزد انجام شد.

**روش:** روش پژوهش از نوع همبستگی و آزمودنی‌های پژوهش شامل ۵۳ زوج عادی و ۴۵ زوج متقاضی طلاق (جمعاً ۱۹۶ نفر) بودند. برای انتخاب زوج‌های متقاضی طلاق، از میان مراجعه‌کنندگان به دادگاه از روش نمونه‌گیری در دسترس، و برای زوج‌های عادی از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای تصادفی استفاده شد. تمام زوجین بوسیله پرسشنامه مقیاس تجربه روابط نزدیک (جهت سنجش سبک‌های دلبستگی)، پرسشنامه شخصیتی نشو (NEOAC) و پرسشنامه میل به طلاق مورد سنجش قرار گرفتند. در این پژوهش برای تحلیل داده‌ها علاوه بر روش آمار توصیفی از روش تحلیل ممیز نیز استفاده شد.

**یافته‌ها:** یافته‌ها نشان دادند که شکست و موفقیت در رابطه زناشویی را می‌توان از روی تفاوت در سبک‌های دلبستگی زوجین و همچنین تفاوت نمرات زوجین (میانگین بیشتر نشان‌دهنده برجستگی نمرات زوجین در آن متغیر می‌باشد) در هر کدام از متغیرهای ویژگی‌های شخصیتی پیش‌بینی کرد.

**نتیجه‌گیری:** بر اساس این پژوهش می‌توان یک رویکرد پیشگیری از طلاق تدارک دید و یافته‌های این پژوهش را در محیط‌های بالینی و مشاوره‌ای برای کمک به همسران مشکل‌دار و در مشاوره قبل از ازدواج به کار برد.

**کلید واژه‌ها:** تحلیل ممیز، سبک‌های دلبستگی، طلاق، ویژگی‌های شخصیتی

## مقدمه

طلاق یک فرآیند طولانی مدت است که با آشفتگی و نارضایتی در ازدواج شروع و با جدایی خاتمه می‌یابد (فینزی، کوهن، رام<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰). آمار طلاق در یک دهه اخیر در جهان رو به افزایش بوده است (یانگ و لانگ<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸). در ایران از هر هزار مورد ازدواج، حدود دویست مورد (یعنی ۲۰ درصد) به طلاق می‌انجامد (زارعی و یونسی، ۱۳۸۹).

طلاق روی تمام افراد در خرده نظام‌های خانواده و روابط آن خرده نظام‌ها با خرده نظام‌های دیگر تأثیر می‌گذارد (آویدان، یحیی و گرینام<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹). روانشناسان برای نخستین بار کوشیدند عواملی که می‌تواند احساس رضایت افراد در زندگی مشترک را افزایش دهد، شناسایی کنند. نتایج این پژوهش‌ها، گروهی از عوامل را تضمین کرده است که در سه عنوان کلی دسته‌بندی می‌شود:

الف) عوامل درون فردی: مانند ویژگی‌های شخصیتی (فینکه نوئر و هازم<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴) و همانندی سطح هوشی افراد (زالاکاسکی، وگال کاوسکا<sup>۵</sup>، ۱۹۷۸).

ب) عوامل بین فردی: مانند مهارت حل مشکل (جانسون، و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۰۵) و سبک‌های دلبستگی (وی، زاکالیک<sup>۷</sup>، ۲۰۰۵).

ج) عوامل پیرامونی: مانند سطح برخورداری اقتصادی، نوع شغل (صیادپور، ۱۳۸۴).

در بین تمامی عوامل شناخته شده، ویژگی‌های شخصیتی (الف) و سبک‌های دلبستگی (ب) از مهم‌ترین عوامل پیش‌بینی کننده صمیمیت زناشویی و کاهش طلاق می‌باشد (صیادپور، ۱۳۸۴). دلبستگی، پیوند عاطفی و هیجانی نسبتاً پایدار بین کودک و مادر یا افرادی که نوزاد در تعامل منظم و دائم با آنهاست می‌باشد (الکساندروف و کوان<sup>۸</sup>، ۲۰۰۵). نظریه دلبستگی بزرگسالان، گسترش نظریه دلبستگی اینزورث<sup>۹</sup> و بالبی<sup>۱۰</sup> می‌باشد (نافتلو شاور<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۶). بر طبق این نظریه، تفاوت‌های فردی در سبک دلبستگی از تجارب نزدیک گذشته فرد ناشی می‌شود و این تجارب با روابط دلبستگی بین کودک و مراقبان

1. Finzi, Cohen, Ram

2. Young & Long

3. Avidan, Yahiya, Green Baum

4. Finke Auer & Hazam

5. Zalasky & Galkowska

6. Johnson

7. Wie & Zakalik

8. Alexandrov & Cowan

9. Ainsworth

10. Bowlby

11. Naftel & Shaver

اولیه‌شان آغاز می‌شود (ناقتل و شاور، ۲۰۰۶). در نظریه دلبستگی، عشق حالتی پویاست و شامل نیازها و ظرفیت‌های هر دو نفر از نظر دلبستگی، مراقبت و فعالیت جنسی است (جانسن و ویفن، ۲۰۰۸). هازن و شاور<sup>۲</sup> بر اساس طبقه‌بندی اینزورث از سبک‌های دلبستگی (اینزورث، بلهار، واترز و وال، ۱۹۷۸<sup>۳</sup>)، سه سبک دلبستگی بزرگسالی را شناسایی کردند: ایمن<sup>۴</sup>، اجتنابی<sup>۵</sup> و مضطرب<sup>۶</sup>. همچنین بارثولومئو<sup>۷</sup> (۱۹۹۰) با تمایز بین دو گروه اجتنابی، یعنی اجتنابی بیمناک<sup>۸</sup> و اجتنابی بی‌تفاوت<sup>۹</sup> سبک‌های دلبستگی را به چهار دسته تقسیم کرد؛ که شامل ایمن، مضطرب، اجتنابی بیمناک و اجتنابی بی‌تفاوت می‌باشد.

ویژگی‌های شخصیتی هم می‌تواند بر رضایتمندی زناشویی و طلاق تأثیر بسزایی داشته باشد که در اینجا منظور، ابعاد شخصیت روان‌رنجوری<sup>۱۰</sup>، برون‌گرایی<sup>۱۱</sup>، گشودگی به تجربه<sup>۱۲</sup>، توافق‌پذیری<sup>۱۳</sup>، وظیفه‌شناسی<sup>۱۴</sup> (NEOAC) می‌باشد. کاستا و مک‌کری<sup>۱۵</sup> (۱۹۹۲) با استفاده از روش تحلیل عوامل<sup>۱۶</sup>، مدل پنج عاملی شخصیتی فوق را ارائه کردند. ناقتل و شاور (۲۰۰۶) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که بین روان‌رنجوری و دلبستگی اضطرابی ( $r = ۰/۵۲$ ) و همچنین بین روان‌رنجوری و سبک دلبستگی اجتنابی ( $r = ۰/۱۷$ ) رابطه معنی‌داری وجود دارد. بین برون‌گرایی و سبک اجتنابی و اضطرابی رابطه منفی معنی‌دار وجود دارد ( $r = -۰/۲۶$ ). بین گشودگی نسبت به تجربه با سبک اجتنابی همبستگی منفی معنی‌دار وجود دارد ( $r = -۰/۱۶$ ). ولی با سبک اضطرابی همبستگی معنی‌داری وجود ندارد. هر دو سبک اضطرابی و اجتنابی با وظیفه‌شناسی همبستگی منفی معنی‌دار دارند ( $-۰/۲۳$  و  $-۰/۳۴$ ). ( $r =$

5. Whiffen

2. Hazan & Shaver

7. Blehar, Waters & Wall

8. secure

9. avoidance

10. anxious

11. Bartholomew

8. fear fullavoidance

9. dismissingavoidance

10. neuroticism

11. extraversion

12. openness

13. agreeableness

14. conscientiousness

15. Costa & McCrae

16. factoranalysis

هیل، یانگ و نورد<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) دریافتند زوج های هردو ایمن (ایمن-ایمن) میزان طلاق نسبتاً پایینی دارند و همچنین قادر هستند روابط نارضایت بخش بین خودشان را با کمترین تعارض پایان دهند. افراد ایمن به احتمال زیاد همسرانی انتخاب می کنند که باورهای مشابهی درباره وابستگی و دلبستگی داشته باشند. فینی<sup>۲</sup> (۱۹۹۶) در بررسی بر روی همسران ایمن-اضطرابی/دوسوگرا<sup>۳</sup> دریافت، همسران ایمن عموماً مهیاکننده‌ی حمایت و مراقبت هستند؛ ولی همسران مضطرب/دوسوگرا در پی مراقبت. همسر ایمن طلاق را تهدیدی جدی احساس نمی کند، در حالیکه همسر اضطرابی/دوسوگرا طلاق را تهدید می داند. سینچاک و لئونارد<sup>۴</sup> (۱۹۹۲) در پژوهش خود در مورد همسران اضطرابی/دوسوگرا-اجتنابی پی بردند شخص اجتنابی همسری انتخاب می کند که سبک دلبستگی اضطرابی/دوسوگرا داشته باشد زیرا آنها (افراد اضطرابی/دوسوگرا) اجتنابی بودنشان را تأیید می کنند. از طرفی اشخاص اضطرابی/دوسوگرا ممکن است به منظور تأیید ترسشان به اشخاص اجتنابی متمایل شوند.

رجایی، نیری و صداقتی (۱۳۸۶)، در پژوهشی تحت عنوان سبک های مختلف دلبستگی و رضایتمندی زناشویی دریافتند آزمودنی های دارای سبک دلبستگی ایمن از مشکلات زناشویی کمتر، مشکلات بین شخصی کمتر و سطح شادکامی بیشتری نسبت به آزمودنی های واجد سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا برخوردارند. فینی (۱۹۹۶) نشان داد افراد دارای سبک دلبستگی نایمن در مقایسه با افراد ایمن در روابط خود با دیگران بیشتر مایل اند عواطف و احساس های مثبت خود را مهار کنند. داویلا و برادبری<sup>۵</sup> (به نقل از رجایی و همکاران، ۱۳۸۶) در پژوهشی نشان دادند که درک مثبت از همسران که از ویژگی های افراد با سبک دلبستگی ایمن است، رفتارهای حمایتی و رضایتمندی زناشویی را در زوجها پیش بینی می کند. بدین معنی که افراد ایمن درقبال همسرشان رفتارهای حمایتی و درک و فهم بیشتری دارند که این خود می تواند رضایتمندی و صمیمیت زناشویی را در بین آنها افزایش دهد.

اجرای پژوهش حاضر از دو جنبه نظری، کاربردی حائز اهمیت است. مشخص کردن متغیرهایی که با شکست و موفقیت در ازدواج رابطه دارند زمینه را برای پژوهش های آزمایشی و مداخله ای بعدی فراهم می کند. یکی از دلایلی که ضرورت کاربردی پژوهش حاضر را روشن می سازد، آمار بالای طلاق در جهان و ایران است. ترس و اضطراب جوانان جهت ازدواج و نگرانی از زندگی آینده بیانگر ضرورت

۱. Hill & Young&Nord

۲. Feeny

۳. anxious / ambivalent

۴. Senchak & Leonard

۵. Davila & Brudbery

پژوهش در این زمینه می‌باشد. هدف اصلی پژوهش حاضر تعیین رابطه سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های میل به طلاق در زوج‌های متقاضی طلاق و عادی شهر یزد می‌باشد و براین اساس فرضیه این پژوهش به این شرح می‌باشد: ترکیب خطی سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی احتمال میل به طلاق در زوجین عادی و متقاضی طلاق را پیش‌بینی می‌کند.

## روش

پژوهش حاضر یک پژوهش همبستگی از نوع پیش‌بینی است. جامعه زوجین متقاضی طلاق شامل ۹۲ زوجی بود که در فاصله زمانی اسفندماه ۹۰ تا خرداد ۹۱ جهت تقاضای طلاق به دادگستریزد مراجعه کرده بودند. ۴۵ زوج از زوجهای متقاضی طلاق که شرایط ورود به تحقیق را داشتند به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. جامعه زوجهای عادی افراد متاهلی بودند که در تاریخ مذکور در شهر یزد در حال ادامه زندگی بودند و تاکنون سابقه مراجعه به دادگستری یا اورژانس اجتماعی برای حل اختلاف زناشویی نداشتند. برای انتخاب زوجهای عادی، از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای با استفاده از فهرستی که استانداری از سه منطقه شهرداری در خدمت محققان قرار داد، استفاده شد. روش انتخاب زوج‌های عادی بدین صورت بود که از میان ۸ بوستان و شهر بازی یزد تعداد ۴ بوستان بصورت تصادفی انتخاب شد. آنگاه از میان زوجینی که برای تفریح به بوستان و شهر بازی آمده بودند تعداد ۵۳ زوج انتخاب شدند. بنابراین حجم نهایی نمونه در این پژوهش ۹۸ زوج بود (۵۳ زوج عادی و ۴۵ زوج متقاضی طلاق). برخی معیارهای خروج از تحقیق شامل: مصرف مواد یا مشروبات، افسردگی حاد و اختلال شخصیت که به کمک آزمون *MMPI* سنجیده می‌شد، بی‌سوادی بود. هر دو گروه از لحاظ سن، تحصیلات و وضعیت اقتصادی کنترل شدند. شیوه اجرا به این صورت بود که قبل از انتخاب زوجهای عادی و متقاضی طلاق، مصاحبه نیمه ساخت یافته‌ای با آنها انجام شد. آنگاه آن دسته از زوجینی که شرایط ذکر شده در بالا را داشتند انتخاب شدند و آن دسته از زوجینی که در مصاحبه مشکوک به اختلال و سایر موارد خروج از تحقیق بودند با استفاده از آزمون *MMPI* بررسی شدند. سپس پرسشنامه‌های ذیل (در ادامه آمده است) بر روی آنها اجرا گردید. لازم به ذکر است برای رعایت اصول اخلاقی، رضایت مراجعین مبنی بر اجرای پرسشنامه‌ها گرفته شد و اصل رازداری برای آنها رعایت گردید. در ادامه داده‌ها جمع‌آوری و مورد تحلیل قرار گرفتند.

**ابزار پژوهش: ۱- مقیاس تجربه روابط نزدیک (جهت سنجش سبک‌های دلبستگی)**

1. ExperiencesCloseness inRelationships Scale (ECRS)

این پرسشنامه توسط برنن، کلارک و شاور<sup>۱</sup> (نقل از یوسفی و همکاران، ۱۳۸۹) ساخته شد؛ و برای تعیین سبک دلبستگی به کار می‌رود. پرسشنامه ۳۶ عبارت دارد که در مقابل هر عبارت ۷ گزینه (از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) قرار دارد. این پرسشنامه شامل دو عامل اضطراب و اجتناب است که ۱۸ ماده ابتدایی آن به بعد دلبستگی اضطرابی و ۱۸ ماده بقیه هم به بعد دلبستگی اجتنابی اختصاص دارد. برنن و همکاران (نقل از یوسفی و همکاران، ۱۳۸۹) اعتبار پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ و بازآزمایی برای عامل اجتناب به ترتیب (۰/۹۴ و ۰/۸۱) و برای عامل اضطراب به ترتیب (۰/۹۰ و ۰/۹۱) گزارش کردند؛ و روایی همگرایی پرسشنامه با پرسشنامه سبک دلبستگی هازان و شاور (۱۹۹۰) رضایت‌بخش بود که نتایج همبستگی برای ملاک مذکور (۰/۳۷ تا ۰/۴۰) گزارش شده است که در سطح ( $p < 0.001$ ) معنادار است. پرسشنامه مذکور در ایران توسط یوسفی و همکاران (۱۳۸۹) اعتباریابی شده است. اعتبار پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ و بازآزمایی برای عامل اجتناب به ترتیب (۰/۸۴ و ۰/۸۳) و برای عامل اضطراب به ترتیب (۰/۸۷ و ۰/۹۰) می‌باشد.

## ۲- پرسشنامه شخصیتی پنج عاملی نئو (NEO AC)

پرسشنامه شخصیتی پنج عامل بزرگ ۲۴۰ ماده دارد و پنج محور بزرگ شخصیتی را ارزیابی می‌کند (روان‌رنجوری، برون‌گرایی، گشودگی، تجربه، توافق‌پذیری، وظیفه‌شناسی) این پرسشنامه توسط کاستا و مک کی (۱۹۸۹)، به نقل از کیامهر، (۱۳۸۱) ساخته شد. فرم کوتاه این پرسشنامه از ۶۰ ماده تشکیل شده است که هر ۱۲ ماده آن یکی از ۵ محور بزرگ شخصیت را اندازه‌گیری می‌کند. نمره‌گذاری این آزمون براساس طیف لیکرت است و به هر سؤال بسته به پاسخ داده شده از ۱ تا ۵ نمره تعلق می‌گیرد. کیامهر (۱۳۸۱) فرم کوتاه این پرسشنامه را بر روی نمونه‌ای با حجم ۳۸۰ نفر از دانشجویان دانشکده علوم انسانی دانشگاه تهران اعتباریابی کرد. در این پژوهش برای تعیین روایی ازروایی همزمان و تحلیل عامل استفاده شد. ضریب همبستگی حاصل از روایی همزمان بین فرم کوتاه و بلند این پرسشنامه بین ۰/۴۱ تا ۰/۷۱ به دست آمد. همچنین در پژوهش کیامهر (۱۳۸۱) برای بررسی پایایی فرم کوتاه پرسشنامه مذکور از روش بازآزمایی استفاده شد که ضریب همبستگی بین دو اجرای آزمون بین ۰/۶۵ تا ۰/۸۶ به دست آمد. ضریب همسانی درونی این پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ بین ۰/۵۴ تا ۰/۷۹ به دست آمد (کیامهر، ۱۳۸۱). گروسی فرشی (۱۳۷۷) نیز در هنجاریابی این آزمون، همسانی درونی بر پایه آلفای کرونباخ برای عوامل  $N$ ،  $E$ ،  $O$ ،  $A$  و  $C$  به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۷۳، ۰/۵۶، ۰/۶۸ و ۰/۸۷ گزارش کرده اند.

3- پرسشنامه میل به طلاق<sup>۱</sup>

این پرسشنامه اولین بار توسط روزولت و مورر<sup>۲</sup> (۱۹۸۷) (به نقل از داوودی، ۱۳۸۸) طراحی شد. این مقیاس یک ابزار ۲۸ سؤالی برای ارزیابی زوجین مستعد طلاق است، که دارای ۴ بعد (خارج شدن<sup>۳</sup>، ابراز<sup>۴</sup>، وفاداری<sup>۵</sup> و مسامحه<sup>۶</sup>) می‌باشد. روزولت و همکاران (داوودی، ۱۳۸۸) ضریب آلفای کرونباخ برای بعد خارج شدن (۰/۹۱)، بعد ابراز (۰/۷۶) و وفاداری (۰/۶۳) و بعد مسامحه (۰/۸۶) را به دست آوردند. در ایران این پرسشنامه توسط داوودی (۱۳۸۸) هنجاریابی شد و مقدار آلفای کرونباخ ۰/۸۸ به دست آمد. نمره کل مقیاس با آلفای کرونباخ ۰/۸۸ از همسانی درونی قابل توجهی برخوردار است. همسانی درونی خرده مقیاس‌ها برای بعد خارج شدن ۰/۸۹، برای بعد ابراز ۰/۹۰، برای بعد وفاداری ۰/۸۶، برای بعد مسامحه ۰/۷۲ به دست آمد.

## یافته‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی شامل میانگین و انحراف استاندارد و همچنین از روش تحلیل ممیزی<sup>۷</sup> به صورت همزمان و گام به گام استفاده شده است. نتایج تحلیل توصیفی و تحلیل ممیزی (تمایز) در جداول ذیل آمده است.

## جدول ۱. میانگین و انحراف معیار نمرات زوج‌های متقاضی طلاق و عادی در متغیرهای

## پیش‌بینی کننده

زوج‌های عادی		زوج‌های متقاضی طلاق		متغیرهای پیش‌بینی
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۱/۳۸	۲۱/۲۱	۴/۳۰	۳۵/۴۴	۱- روان‌نزدی
۱/۱۴	۲۰/۳۷	۳/۰۷	۳۹/۲۷	۲- برون‌گرایی
۲/۸۳	۲۲/۷۰	۳/۱۴	۳۹/۸۸	۳- گشودگی به تجربه
۳/۵۵	۳۹/۹۶	۲/۱۲	۲۲/۹۶	۴- توافق‌پذیری
۳/۱۰	۳۶/۳۷	۱/۸۳	۱۸/۴۱	۵- وظیفه‌شناسی
۲/۹۲	۳۱/۸۱	۵/۹۲	۴۵/۷۲	۶- دل‌بستگی اضطراب
۳/۷۲	۳۲/۳۳	۶/۷۹	۴۶/۶۸	۷- دل‌بستگی اجتنابی

1. Divorcepotentiallyinventory

2. Roswelt&amp;Morer

3. go out

4. expression

5. loyalty

6. neglect

7. Discriminate analysis

همچنانکه در جدول ۱ ملاحظه می شود، در متغیرهای شخصیتی روان نژندی، برون گرایی، گشودگی به تجربه میانگین (تفاوت) نمرات زوجین در زوجهای متقاضی طلاق بیشتر از زوج های عادی است. این بدین معنی است که زوجین متقاضی طلاق در متغیرهای فوق برجسته تر هستند. ولی متغیرهای توافق پذیری و وظیفه شناسی در زوج های عادی بیشتر از زوجهای متقاضی طلاق است. به عبارتی زوجهای عادی در این دو متغیر برجسته تر بودند. همچنین در سبک دلبستگی (اضطرابی و اجتنابی) میانگین زوجهای متقاضی طلاق بیشتر از زوجهای عادی است.

## جدول ۲. تحلیل تمایز رگرسیون همزمان و گام به گام

مرحله	متغیر وارد شده	همزمان		گام به گام		
		df <sub>۱</sub>	df <sub>۲</sub>	مقدار F	df <sub>۱</sub>	df <sub>۲</sub>
۱	روان نژندی	۹۶	۱	۱۱۸/۰۸	۱	۱
۲	برون گرایی	۹۶	۱	۸۸/۸۳	۱	۲
۳	گشودگی به تجربه	۹۶	۱	۹۸/۱۸	۱	۳
۴	توافق پذیری	۹۶	۱	۷۷/۵۱	۱	۴
۵	وظیفه شناسی	۹۶	۱	۶۹/۲۰	۱	۵
۶	دلبستگی اضطراب	۹۶	۱	۳۵/۸۳	۱	۶
۷	دلبستگی اجتنابی	۹۶	۱	۰/۷۲۴	-	-

فرضیه تحقیق بیانگر آن است که ترکیب خطی متغیرهای شخصیتی و سبک های دلبستگی موفقیت و شکست (طلاق) در رابطه زناشویی پیش بینی می کند. همان گونه که در جدول ۲ آمده است (در هر دو تحلیل ممیز به روش همزمان و گام به گام) در تمام متغیرها  $F$  از نظر آماری معنی دار است ( $P < 0/001$ ). لامبدای ویلکس<sup>۱</sup>، مقدار عدم پیش بینی متغیر وابسته توسط متغیر مستقل را نشان می دهد که هرچه کوچک تر باشد بهتر است. در جدول ۳ مقدار لامبدای ویلکس و مقدار خی دو آورده شده است. باتوجه به مقدار لامبدای کوچک (۰/۲۳۳) در روش همزمان و (۰/۲۳۴) در روش گام به گام) و مقدار مجذور کای بالا (۱۳۴/۷۷) در روش همزمان و (۱۳۵/۲۲) در روش گام به گام) و سطح معناداری ( $P < 0/001$ )، تابع ممیز به دست آمده از قدرت تشخیص خوبی برای تبیین متغیر وابسته (یعنی گروه در دو سطح



زوج‌های متقاضی طلاق و عادی) برخوردار است. بنابراین فرضیه تحقیق تأیید می‌شود. برای فهم بهتر ستون اول (اطلاعات مهم مربوط به تابع ممیز) جدول (۳) توضیحات شماره ۱ تا ۹ ارائه شده است.

### جدول ۳. خلاصه تابع تمایز متعارف به روش تحلیل همزمان (برای ۷ متغیر پیش‌بین) و گام به گام (۶ متغیر پیش‌بین)

شاخص‌های تابع تمایز متعارف	تحلیل همزمان	تحلیل گام به گام
-تعداد تابع	۱	۱
-مقدار ویژه	۳/۲۹	۳/۲۵
-درصد واریانس	۱۰۰	۱۰۰
-درصد تراکمی	۱۰۰	۱۰۰
-همبستگی متعارف	۰/۸۷۶	۰/۸۶۵
-مجذور اتا	۰/۷۶	۰/۷۳
-لامبدای ویلکز	۰/۲۳۳	۰/۲۳۴
-مجذور کا	۱۳۴/۷۷۸	۱۳۵/۲۲۵
-درجه آزادی	۷	۶
-معنی‌داری تابع	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
-مرکز واره نمره‌ها برای گروه متقاضی طلاق	-۰/۸۲۲	-۰/۸۲۰
-مرکز واره نمره‌ها برای گروه عادی	۰/۸۷۵	۰/۸۲۳
-پیش‌بینی عضویت گروهی	۷/۶۸/۷	۷/۶۵/۶
-ضریب کاپا	۰/۶۳	۰/۶۰
-معنی‌داری ضریب کاپا	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱

۱. تعداد تابع: عدد ۱ حاکی از تنها تابع ممیزی است که با دو سطح از متغیر ملاک به دست آمده است.  
 ۲. مقدار ویژه: با نگاهی به جدول (۳) مقدار ویژه تنها تابع ممیز ۳/۲۹ (در روش همزمان) و ۳/۲۵ (در روش گام به گام) است. کوچکتر بودن مقدار ویژه در روش گام به گام به توجه به درجه آزادی ۶ (۶ متغیر پیش‌بین وارد شده به معادله ممیز) قابل توجیه است. بطور کلی هرچه مقدار ویژه تابع بیشتر باشد تابع از قدرت تشخیص بیشتری برخوردار.

<sup>۱</sup>. Eigen value

۳. درصد واریانس و درصد تراکمی: بدیهی است که چون یک تابع ممیز وجود دارد مقدار واریانس  $0/100$  است. در مواردی که چند تابع ممیز وجود داشته باشد آن تابعی بیشتر ارزش دارد که مقدار درصد واریانس آن بیشتر باشد.

۴. همبستگی متعارف: این همبستگی رابطه چندگانه میان متغیرهای پیش‌بین و عضویت گروهی را نشان می‌دهد، مقدار آن در تحلیل همزمان و گام به گام به ترتیب  $0/876$  و  $0/865$  می‌باشد و مجذور اتا که مقدار مجذور ضریب متعارف را نشان می‌دهد (جدول ۳) به ترتیب  $0/76$  (همزمان) و  $0/73$  (گام به گام) است. بنابراین  $0/76$  واریانس ۷ متغیر پیش‌بینی به روش تحلیل همزمان و  $0/73$  واریانس ۶ متغیر پیش‌بینی به روش تحلیل گام به گام تمایز را تبیین می‌کند.

۵. لامبدای ویکلز: مقدار لامبدای ویکلز برای تابع ممیز به روش همزمان  $0/233$  و برای تابع ممیز به روش گام به گام  $0/234$  است؛ که هر دو مقدار در سطح  $P < 0/001$  معنی دارند. بخاطر همین فرضیه تحقیق تأیید می‌شود.

۶. مجذور کا: همان‌طور که در جدول (۳) آمده است این مقدار برای تنها تابع ممیز به روش همزمان  $134/778$  و به روش گام به گام  $135/225$  است و این مقدار در سطح  $P < 0/001$  معنی دار است. لذا می‌توان گفت تابع به‌دست آمده بطور معنی‌داری از قدرت تشخیص قابل توجهی برای دو سطح از متغیر ملاک برخوردار است.

۷. مرکز واره 'نمره‌ها': مرکز واره نمره‌ها برای تنها تابع ممیز به روش تحلیل همزمان  $0/882$ - برای گروه متقاضی طلاق و  $0/875$  برای گروه عادی و به روش تحلیل گام به گام،  $0/820$ - برای گروه متقاضی طلاق و  $0/823$  برای گروه عادی است. این بدان معناست که تابع ممیز به‌دست آمده، تابع تشخیص بسیار مناسبی در متمایز کردن گروه زوج‌های متقاضی طلاق و عادی است بدین ترتیب، اگر نمره‌های یک زوج در معادله به‌دست آمده گذاشته شود و نمره به‌دست آمده مثبت شود، پیش‌بینی می‌شود که آن زوج موفق (یعنی به گروه عادی تعلق دارد) و اگر منفی باشد پیش‌بینی می‌شود که آن زوج ناموفق خواهد بود (یعنی به گروه متقاضی طلاق تعلق دارد).

۸. پیش‌بینی عضویت گروهی: تابع ممیز به‌دست آمده با روش همزمان (۷ متغیر پیش‌بین) بطور کلی  $0/687$  زوج‌ها و با روش گام به گام (۶ متغیر پیش‌بین)  $0/656$  زوج‌ها به روش گام به گام بدرستی

طبقه‌بندی کرده است. بنابراین می‌توان گفت که قدرت پیش‌بینی تابع (معادله) ممیز به روش همزمان ۶۸٪ و قدرت پیش‌بینی تابع معادله ممیز با روش گام به گام ۶۵٪ است.

۹. ضریب کاپا: این ضریب اصلاح دقت قدرت پیش‌بینی عضویت گروهی را نشان می‌دهد. در اینجا مقادیر به‌دست آمده ۰/۶۸ و ۰/۶۵ بوسیله ضریب کاپا تصحیح شد و به ترتیب مقدار ۰/۶۳ و ۰/۶۰ به‌دست آمد که از نظر آماری معنی‌دار است ( $p < 0/001$ ). بنابراین، می‌توان گفت که قدرت پیش‌بینی که از تابع ممیز فوق به‌دست آمده معنی‌دار است.

در جدول (۴) ضرایب ساختاری که نشان‌دهنده همبستگی هر کدام از متغیرهای پیش‌بینی با نمرات ممیز است آورده شده‌اند. بزرگ‌ترین همبستگی مطلق بین توافق‌پذیری و گشودگی به تجربه به‌دست آمد. ضرایب طبقه‌بندی، برای طبقه‌بندی آزمودنی‌ها به گروه ۱ و ۲ یعنی گروه طلاق و گروه عادی به کار برده می‌شوند. براساس ستون ضرایب طبقه‌ای جدول (۴) گروه طلاق در مقایسه با گروه عادی در متغیرهای روان‌نژندی، برون‌گرایی، گشودگی به تجربه، دلبستگی اضطرابی و اجتنابی بالاتر و در متغیرهای توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی پایین‌تر است. با استفاده از ضرایب غیراستاندارد که در جداول (۴و۵) آمده‌اند، معادله تابع ممیز را می‌توان به‌دست آورد. بنابراین، با قراردادن نمره‌های هر زوج در تابع، نمره پیش‌بینی شده آنها به‌دست می‌آید. باتوجه به جهت (+) مرکز واره نمره‌های گروه متقاضی طلاق و گروه عادی چنانچه نمره ممیز به‌دست آمده مثبت باشد پیش‌بینی می‌شود که آن زوج عادی و اگر منفی باشد پیش‌بینی می‌شود که آن زوج متعلق به گروه متقاضی طلاق باشد. باتوجه به ستون ضرایب غیراستاندارد و عدد ثابت تابع ممیز به روش همزمان معادله پیش‌بینی زیر به‌دست آمد.

$$D = -20/214 + 0/13(X_1) + 0/137(X_2) + 0/073(X_3) + 0/058(X_4) + 0/154(X_5) - 0/13(X_6) + 0/108(X_7)$$

باتوجه به ستون ضرایب غیراستاندارد و عدد ثابت تابع ممیز به روش گام به گام معادله پیش‌بینی زیر به‌دست می‌آید.

$$D = -20/339 + 0/36(X_1) + 0/130(X_2) + 0/069(X_3) + 0/058(X_4) + 0/152(X_5) + 0/104(X_7)$$

لازم به یادآوری است منظور از  $D$  یا همان نمره ممیز یا پیش‌بینی شده هر زوج است که در جداول (۴و۵) ذکر شده‌اند. برای هر دو روش تحلیل همزمان و گام به گام ضرایب طبقه‌بندی تابع آمده‌اند.

<sup>۱</sup>.Kappa

جدول ۴. ضرایب استاندارد شده، غیراستاندارد، ضرایب ساختاری و ضرایب طبقه بندی تابع ممیز به روش همزمان برای متغیرهای پیش بین

کد متغیر	متغیر پیش بینی	ضرایب استاندارد	ضرایب غیراستاندارد	ضرایب ساختاری	ضرایب طبقه ای	گروه عادی
$X_1$	روان نژندی	۰/۳۳۴	۰/۰۱۳	۰/۲۳۹	۰/۵۴۸	۰/۴۱۸
$X_2$	برونگرایی	۰/۴۰۳	۰/۱۳۷	۰/۴۹۹	۰/۴۲۲	۰/۳۹۲
$X_3$	گشودگی به تجربه	۰/۲۳۹	۰/۰۷۳	۰/۵۸۵	۰/۵۲۲	۰/۴۹۹
$X_4$	توافق پذیری	۰/۲۸۰	۰/۰۵۸	۰/۶۱۰	۰/۳۱۵	۰/۳۸۴
$X_5$	وظیفه شناسی	۰/۴۹۵	۰/۱۵۴	۰/۴۶۸	۰/۳۶۲	۰/۴۲۳
$X_6$	دلبستگی اضطرابی	-/۰۶۸	-/۰۱۳	۰/۲۵۷	۰/۳۱۸	۰/۲۹۹
$X_7$	دلبستگی اجتنابی	۰/۳۸۵	۰/۱۰۸	۰/۳۴۰	۰/۵۶۹	۰/۴۴۶
-	عدد ثابت	-	-۲۰/۲۱۴	-	-۲۵۶/۳۷۹	-۱۸۲/۹۹۳

در جدول (۴) که به ضرایب ساختاری روش همزمان اختصاص دارد. بزرگ ترین همبستگی بین توافق پذیری و تابع ممیز می باشد. بطوری که در جدول (۴) مشخص است به ترتیب متغیرهای توافق پذیری، گشودگی به تجربه، برون گرایی، وظیفه شناسی، دلبستگی اجتنابی، دلبستگی اضطرابی و روان نژندی بالاترین همبستگی را با تابع ممیز نشان می دهد.

جدول ۵. ضرایب استاندارد شده، غیراستاندارد، ساختاری و طبقه‌بندی به روش گام به گام

کد متغیر	متغیر پیش‌بینی	ضرایب			ضرایب طبقه‌ای	
		استاندارد	غیراستاندارد	ساختاری	گروه	گروه‌عادی
$X_4$	توافق‌پذیری	۰/۲۸۳	۰/۰۵۸	۰/۶۲۲	۰/۳۲	۰/۵۱
$X_3$	گشودگی به تجربه	۰/۲۲۵	۰/۰۶۹	۰/۵۵۵	۰/۵۸	۰/۵۲
$X_2$	برونگرایی	۰/۳۹۶	۰/۱۳۰	۰/۴۸۸	۰/۴۹	۰/۴۲
$X_5$	وظیفه‌شناسی	۰/۴۸۹	۰/۱۵۲	۰/۴۲۲	۰/۳۵	۰/۴۹
$X_7$	دلبستگی اجتنابی	۰/۳۷۱	۰/۱۰۴	۰/۳۴۰	۰/۵۰	۰/۶۱
$X_1$	روان‌نژندی	۰/۳۳۷	۰/۰۳۶	۰/۲۳۹	۰/۵۴	۰/۴۱
-	عدد ثابت	-	-۲۰/۳۳۹	-	-۲۵۵/۶۲۲	-۱۸۱/۹۳۲

در جدول (۵) که به ضرایب ساختاری روش گام به گام اختصاص دارد، بزرگ‌ترین همبستگی بین توافق‌پذیری و تنها تابع ممیز می‌باشد. بطوری که در جدول (۵) مشخص است به ترتیب متغیرهای توافق‌پذیری، گشودگی به تجربه، برون‌گرایی، وظیفه‌شناسی، دلبستگی اجتنابی و روان‌نژندی بالاترین همبستگی را با تنها تابع ممیز نشان می‌دهد.

### نتیجه‌گیری

نتایج به‌دست آمده از تحلیل آماری بیانگر تأیید فرضیه پیش‌بینی طلاق در رابطه زناشویی بر پایه ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دلبستگی است. نتیجه به‌دست آمده گویای این نکته است که هرچه شباهت ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دلبستگی زوجین کمتر باشد، پیش‌بینی شکست در رابطه زناشویی (طلاق) بیشتر خواهد بود و برعکس هر چه شباهت بین متغیرها بیشتر باشد موفقیت در رابطه زناشویی بیشتر خواهد بود. مثلاً اگر یک زنی اجتنابی با شوهری اضطرابی ازدواج کند احتمال طلاق او بیشتر از یک زن و شوهر هر دو ایمن است. نتایج این پژوهش با یافته‌های بنتلر و نیوکاپ، ۱۹۷۸ (نقل از شکرکن و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۴) همسو می‌باشد.

در یک رابطه زناشویی زن و شوهری که دارای سبک دلبستگی ایمن باشند و از نظر این نوع سبک دلبستگی تفاوت کمتری داشته باشند بیشتر احتمال دارد که همدیگر را دوست داشته باشند، خوش‌مشرب باشند و تقاضای حمایت داشته باشند.

برعکس، زوجینی که دارای سبک دلبستگی مخالف هم هستند (ایمن و نایمن) کمتر به همدیگر اعتماد دارند، کمتر به ارضای نیازهای اساسی همدیگر از جمله آرامش، مراقبت و کامرواسازی جنسی توجه دارند (نافتل و

شاور، ۲۰۰۶). پژوهش حاضر همچنین با پژوهش بشارت و همکاران (۱۳۸۵) همسو می‌باشد. در تبیین مطالب عنوان شده می‌توان با بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و ابعاد مقیاس شخصیت پنج عامل به این نتیجه دست یافت که بین سبک دلبستگی ایمن با برون‌گرایی و توافق‌پذیری همبستگی مثبت معنی‌دار وجود دارد، بین سبک‌های دلبستگی نایمن (اجتنابی و دوسوگرا) و روان‌رنجوری همبستگی مثبت معنی‌دار وجود دارد. بین سبک‌های دلبستگی نایمن (اجتنابی و دوسوگرا) و برون‌گرایی همبستگی منفی معنی‌دار وجود دارد، بین سبک دلبستگی دوسوگرا و وظیفه‌شناسی همبستگی منفی معنی‌دار وجود دارد. بین سبک دلبستگی اجتنابی و توافق‌پذیری همبستگی منفی معنی‌دار وجود دارد.

نتایج این پژوهش همچنین با پژوهش‌های کمپل، سمسیون، بولدری و کشی<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) هماهنگ بود آنها نشان دادند که افراد با دلبستگی ایمن حتی در موقعیتی تعارضی مانند جدایی، از ناامنی کمتری برخوردارند و راهبردهای سازنده‌تری برای رویارویی با تعارض ارائه می‌دهند. افراد ایمن‌جدایی را در بسیاری از موارد به عنوان شرایطی درک می‌کنند که به راحتی روابط همسران را توانمندتر می‌سازد. بکارگیری چنین راهبردهای سازنده‌ای کمک می‌کند تا افراد ایمن بر حمایت از علائق خود و افزایش کیفیت ارتباطی‌شان متمرکز شوند و رضایتمندی بیشتری از روابط خود به دست آورند.

شیوه‌های دلبستگی، افزون بر تأثیرگذاری بر ارتباط، عاملی مهم در شیوه‌ی گزینش همسران نیز به شمار می‌آید. این یافته با یافته‌هایناقتل و شاور (۲۰۰۶) همسو می‌باشد که در آن افراد گرایش کمتری برای برقراری ارتباط با زوجی نایمن دارند؛ در حالیکه افراد نایمن، بویژه اجتنابی‌ها، به زوجی با شیوه دلبستگی اجتنابی، کمتر از زوجی دوسوگرا گرایش دارند. زنان دوسوگرا نیز کمتر به سوی مردان اجتنابی کشیده می‌شوند، برای زنان دوسوگرا، مردان ایمن و دوسوگرا کشش بیشتری دارند. بررسی‌ها نشان داده‌اند که مردان اجتنابی کشش بیشتری به سمت افراد ایمن و دوسوگرا دارند (فینی، نوللر و کالان<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰).

هرچند بررسی‌ها نشان داده است که افراد با شیوه‌های دلبستگی متفاوت نسبت به شیوه‌هایی بخصوص گرایش بیشتری دارند، اما این بدان معنا نیست که زندگی زناشویی همسرانی که به لحاظ شیوه دلبستگی‌شان گرایش کمتری به یکدیگر دارند پایداری چندانی نداشته و زندگیشان را بدون رضایت از زندگی مشترک ادامه می‌دهند (کرک پاتریک<sup>۳</sup> و هازان، ۱۹۹۴).

همانطور که عنوان شد مدل پژوهشی مورد تأیید قرار گرفت و به عبارت دیگر از روی متغیرهای سبک دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی می‌توان شکست یا موفقیت در روابط زناشویی را پیش‌بینی نمود و بر اساس این مدل می‌توان یک الگوی پیش‌گیری از ازدواج‌های ناموفق و یا اصلاح نارسایی‌ها در عملکرد زناشویی را تدارک دید. بنابراین در آمادگی زوجین برای ازدواج و نیز کمک به زوجین برای آمادگی و مواجهه با مسائل ازدواج نباید

1. Campbell, Simpson, Boldry&Kashy

2. Feeny&Noller&Callan

3. KirkPatrick

اهمیت سبک دلبستگی و ویژگیهای شخصیتی را از نظر دور داشت. با داشتن مدلی کارآمد که بر اساس آن بتوان ارزیابی های شخصیتی و دلبستگی را پیش از ازدواج پیش بینی نمود اثر بخشی درمان و مداخله افزایش می یابد. متخصصین زوج درمانی و خانواده درمانی با به کارگیری این مدل می توانند عوامل علی و مسیرهای نفوذ را مجزا و مشخص سازند و از این طریق اثر بخشی درمان خود را افزایش دهند.

از محدودیت های این پژوهش فقدان پرسشنامه ای برای سنجش سبک دلبستگی زوجین متقاضی طلاق بود. پیشنهاد پژوهشگر این است که در مطالعات آتی، همین پژوهش با حجم نمونه ی گسترده تر انجام شود و از طرفی پرسشنامه هایی متناسب با زوجین متقاضی طلاق تدوین گردد. نتایج حاصل از این پژوهش را می توان در مشاوره های قبل از ازدواج بکار برد به طوری که با اجرای پرسشنامه دلبستگی و ویژگی های شخصیتی می توان تا حدودی زوج های مستعد طلاق را شناسایی کرد و در آن زمینه پیشنهادات یا جلسات مشاوره ای مکرر برگزار کرد.

## منابع

- بشارت، محمدعلی؛ کریمی، کیومرث، رحیمی‌نژاد، عباس. (۱۳۸۵). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و ابعاد شخصیت. *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران*، ۱(۲)، ۵۵-۳۷.
- داوودی، زهرا. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر رویکرد راه‌حل محور بر کاهش گرایش به طلاق در زنان و مردان مستعد طلاق شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه اصفهان.
- رجایی، علیرضا؛ نیری، مهدی؛ صداقتی، شیرین. (۱۳۸۶). سبک‌های مختلف دلبستگی و رضایتمندی زناشویی، *مجله روانشناسان ایرانی*، ۴(۱۲)، ۲۵-۱.
- رضا زاده، محمدرضا. (۱۳۸۱). *رابطه سبک‌های دلبستگی و مهارت‌های ارتباطی با همسازی زناشویی در دانشجویان شهر تهران*. پایان‌نامه دکترای روانشناسی، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- زارعی محمودآبادی، حسن؛ یونسی، سید جلال. (۱۳۸۹). تأثیر آموزش فنون مشاوره شناختی بر بهبود عملکرد خانواده زوجین ناسازگار. *مجله دانش‌ور رفتار*، ۹(۱۱)، ۴۳-۵۵.
- شکرکن، حسین؛ خجسته، رضا. (۱۳۸۵). بررسی ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های اجتماعی، سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های جمعیت شناختی به عنوان پیش‌بینی موفقیت و طلاق در زوج‌های متقاضی طلاق وعادی شهر اهواز. *مجله علوم تربیتی و روانشناسی اهواز*، ۳(۱)، ۳۰-۱.
- شیخی، خالد؛ خسروی، جمال؛ غریبی، حسن؛ قلی‌زاده، زلیخا، حسن زاده، میکایل. (۱۳۹۱). درک معنایی طلاق و کشف پیامدهای مثبت آن (مطالعه ای کیفی). *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۱(۱)، ۶۴-۷۷.
- صیادپور، زهره. (۱۳۸۴). شیوه‌های دلبستگی و رضایت از ازدواج، *مجله مطالعات روان‌شناختی دانشگاه الزهراء*، ۱(۳)، ۴۱-۱۹.
- عارفی، مختار و محسن زاده، محسن. (۱۳۹۱). سبک‌های دلبستگی فرایند‌های تعاملی زناشویی و مهارت زناشویی، مدل معادلات ساختاری. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۲(۳)، ۲۸۸-۳۰۶.
- قادر زاده، امید؛ قادرزاده، هیرش و حسن پناه، حسین. (۱۳۹۱). عوامل پیش‌بینی کننده گرایش زوجین به طلاق در مناطق مرزی. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ویژه‌نامه طلاق، ۱۰۲-۱۱۸.



کیامهر، جواد. (۱۳۸۱). هنجاریابی فرم کوتاه پرسشنامه پنج عاملی و بررسی ساختار عاملی آن (تحلیل تأییدی) در بین دانشجویان علوم انسانی دانشگاه‌های تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.

گروسی فرشی، میرتقی. (۱۳۷۷). هنجاریابی آزمون شخصیتی Neo PI-R و بررسی تحلیل ویژگی‌ها و ساختار عاملی آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های ایران. پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس. تهران.

نبوی حصار، جمیله؛ احمدی، خدابخش. (۱۳۹۱). اثربخشی رویکرد خانواده درمانی مبتنی بر حضور ذهنی بر سرد مزاجی زنان در آستانه ازدواج. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۲(۳)، ۴۱۲-۴۲۴.

یوسفی، ناصر؛ اعتمادی، عذرا؛ بهرامی، فاطمه. (۱۳۸۹). مقایسه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در همسران مطلقه و عادی به عنوان پیش‌بینی‌کننده طلاق. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، ۱۶(۱)، ۲۱-۳۳.

Ainsworth, M. D. S., Blehar, M. C., Waters, E., & Wall, S. (1987). *Patterson attachment: Assessed in the strange situation and at home*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.

Alexandrov, E. O., Cowan, P. H., A. (2005). Couple attachment and the quality of marital relationships: Method and Concept in the Validation of the new couple attachment interview and Coding system. *Attachment and Human Development*, 7 (2), 123 – 152.

Avidan, D, E., Yahia, M, H., Green Baum, Ch. W. (2009). Divorce is a Part of my Life Resilience, survival, and Vulnerability : Young adults' perception of the implications of parental divorce. *Journal of Marital and Family Therapy*, 35(2), 30- 46.

Bartholomew, K. (1990). Avoidance of intimacy: An attachment Perspective. *Journal of Social and Personal Relationships*. 7(2), 147 – 178.

Campbell, L., Simpson, J. A., Boldry, J., & Kashy, D. A. (2005). Perceptions of Conflict and support in romantic Relationships: The role of attachment anxiety. *Journal of Personality and Social Psychology*, 88 (3), 125-142

Costa, P. T., & McCrae, R. R. (1992). *Revised NEO Personality Inventory, (NEO PI-R) and NEO Five-Factor Inventory (NEO-FFI) professional manual*. Odessa, FL: Psychological Assessment Resources.

- Finkenaur, C., & Hazam, H. (2010). Disclosure and Secrecy in marriage: Do both contribute to marital satisfaction? *Journal of Social and Personal Relationships*, 17(2), 23-38.
- Finzi, R., Cohen, O., & Ram, A. (2000). Attachment and divorce. *Journal of family psychotherapy*, 11(1), 1-20.
- Feeney, J. A. (1996). Attachment, caregiving and marital satisfaction. *Personal Relationships*, 3(7), 401 – 416.
- Feeney, J. A., Noller, P., & Callan, V. J. (2010). Attachment style, Communication, and satisfaction in the early years of marriage. In: Bartholomew & D. Pelman (Eds), *Advances in Personal Relationships*, Vol, 5: *Attachment Processes in Adulthood* (pp. 269 – 308). London: Jessica.
- Hill, E. M., Young, J. P., & Nord, J. L. (2007). *Childhood adversity, attachment Security- and adult relationships: A preliminary study Etiology and sociobiology*. Milton Keynes: Open University Press.
- Johnson, S. M., & Whiffen, V. E. (2008). *Attachment processes in couple and family therapy*. Guilford Press.
- Johnson, M. D., Cohan, C. L., Davila, J., Lawrence, E., Rogge, R. D, Kamey, B. R. Sullivan, K. T., & Brodby, T. N. (2005). Problem – solving skills and affective expressions as predictors of change in marital satisfaction. *Journal of Counseling and Clinical Psychology*, 73(1), 46-61
- Kirkpatrick, L. E., & Davis, K. E. (1994). Attachment style, gender, and Relationship stability: A longitudinal analysis. *Journal of Personality and Social Psychology*, 66(9), 502 – 512.
- Noftle, E. E., Shaver, H., Philip, R. (2006). Attachment dimensions and the big five personality traits: Associations and Comparative ability to predict relationship quality. *Journal of Research in Personality*, 40(23), 179 – 208.
- Pietromonaco, P. R., & Carnally, K. B. (1994). Gender and working models of attachment: Consequence for perceptions of self and romantic relationships. *Personal Relationships*, 19 (2), 233 – 259.
- Senchak, M., & Leonard, K. E. (1992). Attachment styles and marital adjustment among newlywed couples. *Journal of Social and Personal Relationships*, 9(6), 51 – 64.
- Young, J. E. & Long, L. (1998). *Counseling and therapy for couples*. New York: Guilford press.
- Wie, M., Vogel, D. L., & Zakalik, R. A. (2005). Adult attachment, affect regulation, negative mood, and interpersonal problems: the mediating roles of emotional Reactivity and emotional cut off. *Counseling Psychology*, 73 (1), 223 – 230.
- Zalasky, Z., & Galkowska, M. (2009). Neuroticism & Marital satisfaction. *Journal of Behavior Research & Therapy*, 16(12), 285-302.